

کودک بزرگ

بزرگ کودک

آیا کودکان (بزرگ) می فهمند؟ چگونه؟

مؤلف: احمد نجفی

سرشناسه

: نجفی، احمد، ۱۳۳۰-

Najafi, Ahmad

عنوان و نام پدیدآور

: کودک بزرگ، بزرگ کودک: (آیا کودکان ریاضی را می‌فهمند؟) / مؤلف احمد نجفی

مشخصات نشر

: تهران: نسیم دانش فردا، ۱۳۹۸.

شابک

: 978-600-7235-22-5

نوعیت فهرست‌نویسی

: فیا

موضوع

: معلمان ریاضی -- آموزش

موضوع

Mathematics teachers -- Training of :

رده‌بندی کتابخانه

LB1۷۲۷:

رده‌بندی - یوبی

: ۳۷۲/۷۰۴۴

شماره کتابخانه ملی

: ۵۹۸۶۲۷۴

انتشارات نسیم دانش فردا



نام کتاب: کودک بزرگ، بزرگ کودک: (آیا کودکان ریاضی را می‌فهمند؟)

نویسنده: احمد نجفی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۸

قیمت: ۱۷ هزار تومان

شمارگان: ۵۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۳۵-۲۲-۵

پخش: خیابان جانپازان - خیابان حیدری - خادمی - پلاک ۸

۰۹۳۸۵۰۹۷۱۶۲-۷۷۸۲۳۲۲۴

تمامی حقوق این اثر برای نشر نسیم دانش فردا محفوظ است و هرگونه کپی برداری از مطالب

بدون اجازه ناشر پیگرد قانونی دارد.

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
فصل اول:	
۱۹	مروری بر مفهوم حل مسئله
۲۴	تشویق مضامین مفید
۲۵	تعریف و ویژگی‌های مسئله و حل مسئله
۲۷	حل مسئله و انتقال یادگیری
۲۸	رابطه بین تفکر انتقادی و حل مسئله
۲۸	راهبردهای حل مسئله و فراشناخت
۲۹	نظریه‌هایی پیرامون حل مسئله
۲۹	حل مسئله از دیدگاه رفتارگرایی
۳۰	حل مسئله از دیدگاه گشتالت
۳۲	رویکرد خبرپردازی حل مسئله
۳۵	یادگیری از نظر نظریه انتخاب
فصل دوم:	
۳۹	آموزش حل مسئله
۴۰	مراحل آموزش حل مسئله (الگوی دی چکو و کرافورد)
۴۳	پیشنادهایی برای افزایش توانایی‌های حل مسئله در یادگیرندگان
۴۵	طرح جورج پولیا پیرامون حل مسئله

فصل سوم:

۵۱	نگاهی به مفهوم نگرش
۵۲	تعریف نگرش
۵۳	ویژگی‌ها و ابعاد نگرش
۵۴	گسترش نگرش‌ها
۵۵	تغییر نگرش
۵۵	نظریه‌های الگمای یادگیری برای تغییر نگرش
۵۶	نظریه‌ها و مدل‌ها
۵۷	الگوهای شناختی-تغییر نگرش
۶۴	نگرش‌ها و آموزش رپورتاژ
۶۸	جمع‌بندی
۷۰	فهرست منابع

خدایا؛ هر چه زبانم بگوید شکر، نه، هر چه سلول‌های وجودم شکر گویند، نه، هر چه به تعداد ارقام حساب تو بگوید شکر را، از من بپذیر، که نه در کنارمان بلکه در وجودمان هستی اگر دل بیقراری دارم، خودم باعث دور شدن از نور تو شده‌ام.

اگر می‌دانستم پناهگاهی جز تو دارم سراغش می‌رفتم، اما تو چه برایم کم گذاشته‌ای، که دنبال پناه مجهول بروم.

اگر من سرخ یا لاله برایم خلق نمی‌کردی از کجا می‌دانستم که چنین گل‌هایی هم می‌باشند در خلقت باشد. گل‌هایی که شجاعانه رفتند و ما جا ماندیم.

تو با منی و من به تو با تفاوت حمایت از تو و طلب از من. اگر لحظاتمان قرین بطف نیست درخواست و اصرار یا جهالت خودمان بوده است. تو رحمت خود را حتی بر گنهکاران نازل می‌کنی.

نم نم بارون به می‌خوارون خوش است، نعمت حق بر گنهکارون خوش است تو ما را تنها نمی‌گذاری، ما از تو دور میشویم و میفهمیم که هیچ چیز باقی نمی‌ماند اما چه سود که دیگر نیستیم تا ترا مشاهده کنیم. تجربه بدون مشاهده.

با سپاس و قدردانی از استادان گرانقدر که سپاس من را مقابل مزد دیگری بسیار ناچیز است.

من خود نیستیم، خودهایی هستیم که آن‌ها را نمی‌شناسیم پس خود را نمی‌شناسیم.

(احمد نجفی)